

اسپانیا فمینیزه می شود! (*)

برگردان: لاله حسین پور



بقیه در صفحه 5

تفاوت های دخترکان آمریکایی، عراقی و ایرانی



سرباز متجاوز به عبیر،

راهی برای جبران رنج اطاعت از مافوق پیدا کرده بود:
وادار کردن عراقی ها به اطاعت

بقیه در صفحه 4

جنبش کارگری و مروری بر اعتراضات و اعتراضات کارگران

در ایران!

روزشمارسه ماهه اول سال

(ماههای فروردین - اردیبهشت - خرداد ۱۳۸۷ - ۲۰۰۸)

امیر جواهری لنگرودی

۱۳۸۷ تیرماه - ژوئیه ۲۰۰۸

بقیه در صفحه 8

اعلامیه سازمان به مناسبت 18 تیر ۱۸ تیر، روزی فراموش نشدنی!



جنبش دانشجویی مسنولیت خطیری بر عهده دارد. توده وسیع دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور، اگر در دانشگاه به مثابه یک جنبش اجتماعی عمل می کنند، اما هم زمان بخش آگاه جنبش میلیونی جوانان کشور هستند. جوانانی که نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند و اکثریت شان به توده های کار و زحمت تعلق دارند.

بقیه در صفحه 2

جزئیات مانور "عزت اسپارت"



چرا تمامی احزاب سیاسی پارلمان [یونان] سکوت کرده اند؟ طرف یونانی پاسخ متقاعدکننده ای درباره مانور نداده است. اسرائیل نیز سکوت کرده است. جالب است که طراح این مانور و کسی که اجرای آن را تحمیل کرده است (یعنی آمریکا) برگزار می مانور را افشا کرد. سوالات بسیار زیادی بدون پاسخ مانده است. چگونه، کجا و چه کسی تماس میان طرفین برقرار کرد؟ چه موافقتنامه محرمانه ای به امضاء رسیده است؟

بقیه در صفحه 3

فراخوان کارگران ایران خودرو

آگاهی " اتحاد و تشکل رمز پیروزی ماست

ما هر گونه تهدید و ارعاب علیه کارگران را محکوم می کنیم
اعتصاب حق مسلم ماست.

بقیه در صفحه 6

اعلامیه سازمان به مناسبت 18 تیر ۱۸ تیر، روزی فراموش نشدنی!

۹ سال از آن روزهای فراموش نشدنی ۱۸ تیر ۱۳۷۸ می گذرد. روزهایی که توده عظیم دانشجویان با شعارهای " آخوند خدانی می کند! ملت گدانی می کند! "؛ " مرگ بر استبداد! درود بر آزادی!"؛ " طالبان حیا کن! مملکتو رها کن!" خشم خود را فریاد کردند. فریادی که هم آوایی بخش گسترده ای از جوانان و مردم کار و زحمت را به همراه داشت. گسترده گی و عمق این خروش حق طلبانه، آن چنان ارکان سیاست در کشور استبداد زده را به لرزه درآورد که اصلاح طلبان مدعی اصلاحات از ترس، به دامن تمامیت خواهان پناه بردند و نشان دادند که دیواره تحمل شان کجاست و در سازشی نفرت انگیز، راه سرکوب این حرکت با شکوه را هموار ساختند. جنبش عظیمی که هم چون ۱۶ آذر، در تاریخ جنبش دانشجویی کشور جاودانه خواهد ماند تا این حقیقت را بیان کند که شیخ و شاه در سرکوب و اختناق و بی حقوقی مردمان همدستند و با جنبش دانشجویی دشمنی ریشه داری دارند.

جنبش ۱۸ تیر هر چند سرکوب شد اما درس های گرانقدری از خود بر جای گذاشت. از آن پس، بخش وسیعی از دانشجویان چپ و سوسیالیست و آزادیخواه راه مستقل خود را برگزیدند و همسویی با مردم را محور اصلی کار خود قرار دادند. همین امر موجب صف بندی های جدیدی در جنبش دانشجویی شد و بسیاری از فعالین چپ فعالیت مستقل خود را آغاز کردند.

توهم بخش وسیعی از دانشجویان نسبت به کلیت حاکمیت و تمامی جناح های آن فروپاشید.

تشکل های دانشجویی وابسته به جریانات اصلاح طلب حکومتی، زیر فشار پایه های جنبش، مجبور شدند از احزاب حکومتی فاصله بگیرند.

ضرورت تکیه بر پایه های جنبش دانشجویی و پیوند فعالین و توده دانشجوی و توجه هرچه بیشتر به خواست های بی واسطه شان روز به روز برجسته تر شد و بر قدرت و استحکام جنبش افزود.

همسویی با جنبش های کارگری، زنان و خلق های تحت ستم بیش از پیش پررنگ شد و چشم انداز نوینی از همبستگی توده ای را به نمایش گذاشت.

این درس های گرانبها، اما به قیمت اسارت، شکنجه و محرومیت از تحصیل بخش وسیعی از دانشجویان مبارز و آزادیخواه بدست آمد. حاکمان اسلامی در ۹ سال گذشته تمامی قدرت سرکوب خود را بسیج کرده اند تا مانع از آن شوند که این درس های ارزشمند از سوی جنبش دانشجویی به کار گرفته شود. اما علیرغم همه ترفندهای رژیم، جنبش دانشجویی نشان داده است که با قدرت، چشم به آینده دوخته است. برگزاری ۱۶ آذر سال گذشته؛ حرکت های دانشجویی دانشگاه های شیراز، بوعلی سینا همدان، سهند تبریز، کرمانشاه، تربیت معلم کرج و در این اواخر تحصن با شکوه دانشجویان زنجان و تحصن جسورانه دانشجویان دختر دانشگاه مازندران نشان داد که دانشجویان علیرغم آن که زیر سرکوب چکمه پوشان نو محافظه کار فاشست قرار دارند اما از راه خود باز نخواهند گشت؛ بر خواست های برحق صنفی و سیاسی خود پای می فشارند و تعرض به حریم دانشگاه و دانشجو را بر نمی تابند.

اکنون در حالی که کشور در شرایط خطرناکی قرار دارد، جنبش دانشجویی بیش از پیش به سازماندهی مقاومت در داخل دانشگاه ها و انعکاس این مقاومت به بیرون از دانشگاه نیاز دارد. در شرایطی که سیاست های ماجراجویانه حاکمان بهانه های کافی به سلطه جویان بیگانه می دهد و کشور به لبه ی پرتگاه جنگ و بیماریان و ویرانی نزدیک می شود و تنگ تر شدن تحریم های اقتصادی، اقتصاد کشور را به ویرانی میکشاند و تورم لجام گسیخته، نان را از سفره مردم می رباید، جنبش دانشجویی می بایست پیوند های خود با جنبش های توده ای را گسترده تر کند. برای رسیدن به این هدف، همبستگی درونی دانشجویان و سراسری شدن مقاومت سازمان یافته، نقش کلیدی دارد. اما همبستگی درونی، بدون بسیج وسیع ترین توده دانشجو حول خواست های مطرح و جلوگیری از انشقاق و چند دسته گی در میان فعالین دانشجویی امکان پذیر نیست. در این میان فعالین چپ و سوسیالیست دانشجویی مسئولیت سنگین تری بر عهده دارند. آن ها از یک سو

می توانند پیوندهای خود با توده ی دانشجو را تقویت کنند؛ از سوی دیگر نقش تشکل های سازشکار و وابسته به جریانات حکومتی را افشاء کنند و هم زمان با سرکوب لجام گسیخته حکومتیان در اشکال گوناگون به مقابله برخیزند. روشن است که این مهم بدون اتحاد و همبستگی گرایشات درونی مبارزین چپ و سوسیالیست امکان پذیر نیست و در این راه بکارگیری تبرهای ایدئولوژیک و ارجع دانستن منافع فرقه ای و سازماندهی اقدامات سکتاریستی توان مقاومت جنبش دانشجویی را تضعیف خواهد کرد.

در این شرایط به شدت حساس که تهدیدات جنگی و تحریم های اقتصادی از بیرون و سرکوب لجام گسیخته از درون، جامعه را در چنبره ی خود گرفته است، نیروی تحولات عظیم در کشور، نیرویی که می تواند جلوی فاجعه پیش رو را بگیرد، توده های میلیونی کار و زحمت هستند. مردمی که زیر فشار سنگین تورم و گرانی له می شوند و اعتراض شان با سرکوب چکمه پوشان فاشیست روبرو می شود؛ تنها نیروی هستند که توان و قدرت در هم شکستن سناریوی سیاه پیشروی جامعه را دارند. اما این نیرو می بایست به قدرت و توان خود آگاه شود؛ باید متشکل گردد و در مقابل حکومتیان سد مستحکمی ایجاد کند. در این راستا جنبش دانشجویی مسئولیت خطیری بر عهده دارد. توده وسیع دانشجویان دانشگاه های سراسر کشور، اگر در دانشگاه به مثابه یک جنبش اجتماعی عمل می کنند، اما هم زمان بخش آگاه جنبش میلیونی جوانان کشور هستند. جوانانی که نزدیک به ۷۰ درصد جمعیت کشور را تشکیل می دهند و اکثریت شان به توده های کار و زحمت تعلق دارند. دانشجویان، این جوانان آگاه و پرشور، به دلیل داشتن گسترده ترین روابط با خانواده ها، دوستان، هم محله ای ها و همشهری ها، می توانند در بردن آگاهی و تبلیغ ضرورت متشکل شدن در میان طبقات و اقشار گوناگون مردم نقش بسزایی ایفا کنند. آن ها ضمن متشکل شدن در دانشگاه ها و تلاش برای ایجاد همبستگی سراسری دانشجویان کل کشور، می توانند به این ضرورت پاسخ در خور دهند. جنبش دانشجویی قطعاً می داند که بدون ایجاد پیوندهای گسترده با میلیون های جوان پرشور و از آن طریق با توده ی مردم نمی تواند حتی به خواست های برحق خود در سطح دانشگاه ها نیز به نحو مطلوب دست یابد.

در این مبارزه روزمره، که زیر نگاه چکمه پوشان و ده ها نیروی رنگرانگ سرکوب اسلامی جریان دارد، دانشجویان مبارز و انقلابی همواره در خطر دستگیری، زندان و شکنجه قرار دارند. به دلیل همین سرکوب سازمان یافته و دستگیری کادرهای با تجربه دانشجویی، همواره خطر ایجاد گسست های مبارزاتی بوجود می آید. برای مقابله با این وضعیت، توجه به اصل تلفیق کار علنی با مخفی و ایجاد تمهیداتی که بتوان سدهای سرکوب پلیسی و امنیتی را در هم شکست ضرورتی تام دارد. نباید گذاشت نیروهای سرکوب بطور مدام تجارب انباشته شده مبارزاتی جنبش دانشجویی را به نابودی تهدید کنند.

گرامی باد ۱۸ تیر، روز فراموش نشدنی جنبش دانشجویی
زنده باد آزادی
زنده باد سوسیالیسم
کمیته مرکزی سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)
تیرماه ۱۳۸۷ - ژوئیه ۲۰۰۸



جزئیات مانور "عزت اسپارت"

*اولین و مهم‌ترین سناریو پشتیبانی جنگنده‌ها اعم از سوخت‌گیری است. دوم فریب نیروهای ایرانی با حمله علیه اهداف استراتژیک به غیر از تاسیسات هسته‌ای. سوم طرح فرار و نجات خلبانی که احتمالاً در حمله آسیب دیده‌اند و چهارم طرح چند بعدی جنگ الکترونیکی... آیا یونان به اسرائیل اجازه استفاده از سلاح‌های کوچک هسته‌ای و الکترونیکی در کرانه آس داده است؟

روشن‌نگری: از زمان انتشار اخبار مانور مشترک اسرائیل و یونان برای تمرین حمله هوایی به تاسیسات هسته‌ای ایران، جمهوری اسلامی سرداران نظامی خود را به میدان آورده است تا در جو آکنده از تهدید و جنگ روانی آنها نیز مقابل به مثل کرده باشند. و فرماندهان رژیم نیز اعلام کرده‌اند که تنگه هرمز را خواهند بست و به کشورهایی که در حمله اسرائیل با این کشور همکاری کنند هم هشدار داده‌اند. در تازه‌ترین نمونه از جنگ روانی متقابل نامه "سردار میرفیصل باقرزاده" فرمانده "کمیته جستجوی مفقودین ستاد کل نیروهای مسلح" رژیم خطاب به صلیب سرخ را باید ذکر کرد که در واقع پیشاپیش به صلیب سرخ گفته است برای شناسایی اجساد سربازان آمریکایی که در ایران به قتل خواهند رسید خود را آماده کند و "خیر" داده است که این کمیته از هم اکنون 320 هزار قبر برای متجاوزینی که در سرحدات ایران به قتل رسیده خواهند شد کرده و آماده کرده است تا آنها را در همین قبرها چال کند. (1)

در زمینه پاسخ به بسته پیشنهادی گروه 1+5 نیز اگر بنا باشد اظهارات روز شنبه سخنگوی دولت در مورد محتوای نامه ای جدی گرفته شود که یک روز پیش تر عنوان "پاسخ ایران به گروه 1+5" گرفته بود باید گفت که در همچنان بر پاشنه روش فاجعه آفرین امتناع می چرخد و موضوع "پاسخ" در چهارچوب نرزش در شکل، عدم انعطاف در محتوا قرار می گیرد.

اگر تاکیدیات سخنگوی دولت که گفته است: "در مواضع ما تغییری ایجاد نشده است" بخواهد جدی گرفته شود، رژیم اسلامی همچنان آب به آسیاب گروه های جنگ طلب کاخ سفید می ریزد و زمینه ساز پیشرفت برنامه شوم آنها برای نابودی ایران است.

این میان اما موضوعی که ظاهراً به نفع رژیم نیست تا مردم ایران از آن باخبر شوند، و از این رو علیرغم انبوه خبرهای مربوط به برگزاری مانور نظامی اسرائیل مسکوت مانده جزئیات مهم مربوط به این مانور است؛ جزئیاتی که هرگز به عناوین اصلی خبری رسانه های داخلی تبدیل نشد. بخش هایی از مقاله امیرال ایمنیروس دیمو، از فرماندهان نظامی یونان در هفته نامه یونانی "پارون" به همین دلیل خواندنی است. آنچه البته برای ایرانیان نگران از حمله نظامی در مقاله امیرال یونانی اهمیت دارد، انتقاد او از همراهی دولت یونان با اسرائیل نیست، بلکه اطلاعاتی است که در مورد خود این مانور و جزئیات مربوط به حمله نظامی به ایران داده است. متن ترجمه از ایستا:

"یک مانور عجیب"

به راستی آیا پارلمان یونان برای استفاده از حريم ملي يونان جهت تمرين جنگنده‌های نظامی يك کشور بیگانه مجوز لازم را صادر کرده است؟ نیروی بزرگی متشکل از بیش از 100 جنگنده وارد یونان شده بدون این که اتفاقی رخ دهد. این حادثه حتی در کشوری چون یونان نیز بسیار عجیب و باورنکردنی است. موضوع بسیار جدی بوده و به قانون اساسی کشور مربوط می‌شود.

چرا تمامی احزاب سیاسی پارلمان سکوت کرده‌اند؟ طرف یونانی پاسخ متقاعدکننده‌ای درباره مانور نداده است. اسرائیل نیز سکوت کرده است. جالب است که طراح این مانور و کسی که اجرای آن را تحمیل کرده است (یعنی آمریکا) برگزاری مانور را افشا کرد.

سوالات بسیار زیادی بدون پاسخ مانده است. چگونه، کجا و چه کسی تماس میان طرفین برقرار کرد؟ چه موافقتنامه محرمانه‌ای به امضاء رسیده است؟ چه کسی و به چه دلیلی دستور اجرای مانور را صادر کرده است؟ سوالی که باید وزارت دفاع و وزارت امور خارجه یونان پاسخ دهند این که آیا درباره ضرری که این مانور برای منافع یونانی دارد، ارزیابی دقیقی شده است یا خیر؟ بدیهی است که تاثیرات مانور بر سیاست خارجی یونان فوری و منفی خواهد بود.

سناریوی مانور، بر مبنای اجرای اهداف مورد نظر رهبران نظامی تعیین می‌شود. آیا شورای عالی سیاست خارجی و دفاعی (KYSEA) و کمیسیون سیاست خارجی پارلمان یونان از این سناریوها با خبر بودند؟

به نقل از آمریکایی‌ها این مانور تمرین عملیات بمباران غافلگیرکننده تاسیسات هسته‌ای ایران بوده است. بنابراین باید شرایط، عملیات شبیه‌سازی می‌شد. پیش از اجرای مانور باید جزئیات کامل طرح پرواز نیروی هوایی، مهماتی که هواپیماها به آن مجهز هستند، کشورهایی که جنگنده‌ها از آن‌ها عبور می‌کنند، مسیر پرواز و ... قید شود. آیا یونان برای ارایه‌ی این خدمات مهم، امتیازی از طرف مقابل گرفته یا بار دیگر مجانی حیثیت خود را در معرض خطر قرار داده است؟ در اجرای چنین مانوری چهار مورد در نظر گرفته می‌شود. اولین و مهم‌ترین سناریو پشتیبانی جنگنده‌ها اعم از سوخت‌گیری است. دوم طرح

فریب دادن نیروهای ایرانی با حمله علیه اهداف استراتژیک به غیر از تاسیسات هسته‌ای. سوم طرح فرار و نجات خلبانی که احتمالاً در حمله آسیب دیده‌اند و چهارم طرح چند بعدی جنگ الکترونیکی. امیدوارم در منطقه مورد نظر (کرانه آس)، وزارت دفاع یونان به اسرائیلی‌ها اجازه نداده باشد تا از سلاح‌های کوچک هسته‌ای و الکترونیکی استفاده کرده باشند. امیدوارم به این اندازه غیرحرفه‌ای عمل نکرده باشند تا به اسرائیلی‌ها اجازه دهند هر کاری می‌خواهند، انجام دهند.

سوالی که برای يك شهروند عادی یونانی مطرح است این که "عزت اسپارت" (نام مانور برگزار شده میان یونان و اسرائیل) چه ربطی به حمله اسرائیل علیه ایران دارد. نام این مانور کاملاً با اهداف آمریکا و اسرائیل بی‌ربط است. جنگنده‌های اسرائیل (در صورت حمله به ایران) باید مسافت 1700 کیلومتر را طی کنند. 550 کیلومتر در اردن، 700 کیلومتر در عراق و 450 کیلومتر از خلیج فارس تا اصفهان (نطنز) که تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم ایران مستقر است.

بدیهی است که بدون کمک و پشتیبانی آمریکا امکان اجرای چنین عملیاتی وجود ندارد، حضور آمریکا در عراق و سیستم‌های دفاعی هوایی این کشور در عربستان و اردن در این عملیات مورد استفاده قرار خواهند گرفت. تجربه‌ی بمباران نیروگاه هسته‌ای عراق در سال 1981، مبنای طراحی مانور اسرائیلی - آمریکایی Glorious Spartou بوده است. اسرائیلی - آمریکایی می‌گویم - چرا که هرگز فکر نمی‌کنم نظر یونان را مدنظر قرار داده باشند. در این مانور حمله با دو نوع جنگنده F-15 و F-16 استفاده شده است. بدیهی است جنگنده‌های F-15 برای بمباران و جنگنده‌های F-16 برای عملیات مختلف. نیروهای پشتیبانی متشکل از هواپیماها و هلی‌کوپترهای نجات، بدیهی است که در عراق مستقر خواهد بود. در این مانور از جزیره‌ی کرت به عنوان مقر نیروهای پشتیبانی استفاده شده است. بدیهی است که مانور یاد شده به حریم هوایی قبرس تجاوز کرده و این شاید نمونه‌ای باشد از روزهای دشواری که برای جمهوری قبرس در پیش است.

سوال مهمی که مطرح است این که نقش جنگنده‌های یونان کدام بوده است؟ اگر نقش جنگنده‌های یونانی "دکوری" و جهت پوشش مانور بوده است، پس اجرای این مانور اشتباه بوده است.

اگر قسمت محرمانه مانور و ارزیابی توانایی نیروهای هوایی و سیستم تدافعی هوایی کشورمان را اسرائیلی‌ها به آگاهی ترکیه برسانند، همگی باید به فکر مسوولیتی که در اجرای این مانور داشته‌اند، باشند.

ایرانیان تدابیر انفعالی جدی برای حفاظت از تاسیسات هسته‌ای خود انجام داده‌اند. قلب سیستم هسته‌ای ایران در اصفهان (نطنز) است، که در زیرزمین ساخته شده و توانایی مقاومت با حمل سلاح‌های متعارف را دارد. از سوی دیگر دفاع ضد هوایی خود را سازماندهی مجدد کرده اما ارزیابی می‌شود که به سطح رضایت بخشی نرسیده است.

ایران از نظر جمعیت و تعصب مذهبی قدرت نظامی تلقی می‌شود اما گزارش‌های مربوط به موشک‌های تکنولوژی پیشرفته این کشور بی‌پایه است. ایران به مانور و اظهارات تهاجمی وزیر حمل و نقل اسرائیل، که گفته بود اسرائیل (آقای) احمدی‌نژاد را پیش از اجرای تهدیداتش علیه اسرائیل محو خواهد کرد، واکنش نشان داد.

ایران به شورای امنیت سازمان ملل درباره حمله طراحی شده اسرائیل اعتراض کرده است. اوضاع وخیم شده و سرنوشت آن غیر قابل پیش بینی است و سوال هر فرد عاقل این که چرا یونان خود را در این ماجرا دخیل کرده است؟

اگر آمریکایی‌ها این مانور را در چارچوب بازی‌های انتخاباتی خود قرار داده‌اند و قصد دارند برای اوپاها مانع‌تراشی کنند، یونان نباید در این قضیه داخل می‌شد چرا که سرنوشت آن به زیان یونان خواهد بود. بدیهی است که تصمیم یونان برای در اختیار گذاشتن حریم هوایی خود به نیروهای هوایی اسرائیل، موجب نارضایتی ایران شده است. اگر این نارضایتی به سایر جهان اسلام نیز سرایت پیدا کند (که احتمالاً همین خواهد شد)، اوضاع بسیار بدتر خواهد بود. یونان دارای رابطه خوب و درازمدت با کشورهای اسلامی بوده و این گزینه سیاست خارجی کشور هرگز برای آن ضرر نداشته است. اگر این مانور سرآغاز تغییر سیاست خارجی یونان باشد، بدیهی است که تصمیمی نادرست و عجولانه است.

از سوی دیگر کسانی که فکر می‌کنند برگزاری مانور برای نیروی هوایی یونان مفید بوده است، محاسبه‌های اشتباهی کرده‌اند. اسرائیل دارای يك مسئله‌ی بزرگ استراتژیکی است. اسرائیل دارای عمق استراتژیک نیست و به اقداماتی چون گسترش کلاهک هسته‌ای زیر دریایی دست می‌زند. ارزیابی ما این است که مانور نباید برگزار می‌شد. معتمد به علت وسعت رسوایی مالی شرکت زمینس، سیاستمداران و خبرنگاران و ملت یونان به این موضوع نپرداختند. حتی کمیته‌ها و سازمان‌های مختلف صلح‌طلب نیز واکنش نشان ندادند. واکنش نشان ندادن، اشتباه بود چرا که این يك موضوع ملی بسیار بزرگی بود.

تفاوت های دخترکان آمریکایی، عراقی و ایرانی



سرباز متجاوز به عبیر،

راهی برای جبران رنج اطاعت از مافوق پیدا کرده بود:
و ادان کردن عراقی ها به اطاعت

به گزارش روزنامه اعتماد یک مرد 40 ساله تکزاسی که در طول دو سال متوالی به سه دختر بچه تجاوز کرده بود به چهار هزار و 60 سال زندان محکوم شد.
این دخترکان بی گناه آمریکایی گرفتار تراژدی وحشتناکی شده اند که مسلماً زندگی شان را برای همیشه تحت تاثیر قرار خواهد داد. اما آنها دو فرق به شرح زیر با دختران هم سن و سال شان در عراق، ایران و کشورهای مشابه دارند که دومی مهم تر است.
فرق اول:

به یاد داریم در سال 2006، وقتی یک گروه چهار نفره سربازان آمریکایی در حالیکه سرگروهیان شان کشیک میداد که کسی مزاحم آنها نشود در محمودیه بغداد به یک دختر بچه 14 ساله عراقی به نام عبیر قاسم تجاوز کردند. آنها اول پدر و مادر و یکی دیگر از بستگان خانواده را با اطلاع او کشتند و بعد یکی یکی در حالیکه رفقایشان دست و پای بچه را گرفته بودند به او تجاوز کردند و بعد هم جسد او را سوزانیدند.

ارتش آمریکا اول سعی کرد قضیه را ماستمالی کند و به گردن دعوی فرقه ای و گروه های سنی، بیندازد. بعد که سرو صدا در محل درآمد و معلوم شد خود این خانواده سنی و پدر نسبتاً جوان خانواده مورد علاقه و احترام همه بود و مساله ابعاد بین المللی گرفت و هم از داخل عراق و هم در سطح بین المللی فشار بالا رفت، آنها را گرفتند. اول استوار استیون گرین را که طراح اصلی جنایت بود از ارتش بیرون کردند و گفتند او را به دادگاه های عادی می سپارند. وکیلش هم گفت او مساله روانی دارد و آخر و عاقبت کار او هنوز معلوم نیست. بقیه را به حبس های کوتاه و دراز محکوم کردند مخصوصاً آن سرگروهیان را که کشیک داده بود ولی بیشتر اتهامات آنها چیزهایی از این قبیل بود: عرق خوری، بی احترامی به مقررات ارتش.. به همین جهت سرگروهیان یعنی جس اسپیلمن که علیرغم اینکه شخصاً در تجاوز شرکت نکرده بود به بیشترین حبس یعنی 110 سال محکوم شد. تازه این حکم دادگاه است. تعقیب این حکم ها تاکنون نشان داده اولاً فرماندهان و آمران را هرگز محاکمه نمی کنند بجز یکی دو مورد که آنها اغلب جرم شان افشای خود دستگاه بوده است مثل تیمسار افشا کننده ابوغریب، ثانیاً حکم سربازان خرده پا را هم عاقبت یواش یواش و بی سر و صدا ماستمالی می کنند.

این تازه موردی است که فشار عراقی ها از پائین آنها در شرایطی بحران، و فشار افشاگری بین المللی و گروه های متعددی از قبیل وکلای مستقل و سازمان های زنان پی گیر حادثه بودند.
در موارد دیگر اصل بی حقی عراقی ها راحت تر توسط دستگاه به اجرا گذاشته میشود. ماه گذشته خبری بسیار کوتاه توسط رسانه های دسته جمعی منتشر شد که توجهی را نیز جلب نکرد. اما دختر بچه های محله حدیثه عراق که با چشم گریان در مقابل دوربین تعریف کردند چطور سربازان آمریکایی در سال 2005 پدر و مادر آنها را همراه 24 غیرنظامی دیگر به خاطر ارضای حس نفرت شان کشتند، حتماً

این خبر را شنیدند که دستگاه عدالت در آمریکا فرانک ووتریج، گروهیان یکم 27 ساله فرمانده گروه قاتلین را از اتهام جنایت رها کند و مدعی شد او را فقط میتوان به خاطر بی ملاحظه بودن و کوتاهی در انجام وظیفه، و اینطور [بی تربیتی ها] مجازات کرد.
بنابراین یک فرق سه دختر کوچک آمریکایی که گرفتار مصیبت شدند با بچه های عراقی این است که دولت و دستگاه دادگستری - مدنی یا نظامی - آمریکا حق و حقوق و شان انسانی آنها را به رسمیت می شناسند در حالیکه دختر بچه های عراقی در دستگاه عدالت آمریکا هیچ حقی ندارند و میتوان به آنها تجاوز کرد، پدر و مادرشان را کشت، خانه شان را ویران کرد، استرس، بیماری روانی، یا عقده های خود را با اعمال جنایت در مورد آنها درمان کرد.
این پدیده در رابطه با حقوق مردمان دیگر بر کارکرد جامعه از دو جهت اثر می گذارد: در بالا، جرج بوش بعد از ارتکاب همه این جرایم و ویران کردن کشور این دختر بچه ها و دزدیدن نفت آنها و بخشیدنش به پنج خواهران نفتی حتی یک استیضاح خشک و خالی هم نمی شود.

در پایین، این دختران و کلا مردم عراق برای امثال استیون گرین در بهترین حالت، به وسیله برای حل مشکلات روانی و در بدترین حالت، به وسیله ای برای ارضاء پست ترین امیال حیوانی تبدیل میشوند.
در این مورد نگاه به مصاحبه ای که آندرو تیلگمن خبرنگار واشینگتن پست قبل از وقوع حادثه محمودیه با استیون گرین کرده بود، جالب توجه است. استیون گرین به او گفته بود: من به عراق آمدم که آدم بکشم. کشتن عراقیها که مساله ای نیست. منظورم این است که میزنم یک عراقی را میکشم بعد رو به رفقا میکنم میگویم برویم یک پیترزا بخوریم؟ همین..

استیون گرین از عراقی ها بطور خاص نفرت نداشت. او فقط طوری عمل میکرد که دولت و دستگاه اداره سیاسی و فرهنگی کشورش به او آموخته بودند. شاهد این واقعیت خاطره جالب توجه دیگری است که آندرو تیلگمن از ملاقاتش با گرین قبل از حادثه تعریف میکند. گرین او را به یک کافه عراقی برد و به چای دعوت کرد. تیلگمن از او پرسید آیا زیاد به آنجا می آید. پاسخ مثبت بود. گرین با عراقی ها راحت تر بود تا با آمریکایی ها. تیلگمن نوشت: او به آنجا میرفت تا از آمریکایی ها دور شود که همیشه به من دستور میدهند.
این همان دستورات و مقرراتی است که از تجاوز به دختر 14 ساله و قتل عمدی 24 روستایی غیر مسلح در خواب مهم تر است و قاتلین و متجاوزین محمودیه و حدیثه به خاطر عدم رعایت آن به زندان محکوم شدند.

گرین در مقابل اجبار به اطاعت از بالا، معاشرت با عراقی های مجبور به اطاعت از خود را، با حال ، می یافت و به تیلگمن گفت: با این ها بیشتر کیف دارد، و در حالیکه شانه بالا می انداخت اضافه کرده بود: و اما واقعاً برای من مساله ای نیست اگر ترتیب همه اینها داده شود.

اما فرق دیگر مهم تر است

دختر بچه های عراقی مثل دختر بچه های ایرانی و میلیونها زن گرفتار مستبدین واپس گرا و سیاستمداران فرصت طلب منطقه، در چشم حکومت خودشان هم حق و حقوق و شان انسانی ندارند. نگاه کنید به دولت مردان عراقی که در خدمت بوش دولا و راست میشوند، و در برابر اینهمه جنایت صدا از سنگ در می آید ولی نه از رهبر عظیم الشان مذهبی، آیت الله العظمی کبیر سیستانی. و به حکومت ایران نگاه کنید که امثال استیون گرین ها و بدتر از گرین ها از قبیل قاضی، مرتضوی را مثل شحنه های قرون وسطایی بالای سر زها کاضی میفرستد و جانش را می گیرد و ، هیات تفحص ، رئیس جمهور وقت رژیم، خاتمی، هم گناه را به گردن جسم سخت ، بی جان می اندازد که به قول کروبی ، حادثه ای برای نظام، آفرید و بیدادگاه های رژیم را ، مجبور، کرد زحمت رفع و رجوع جنایت را برعهده بگیرند،

و یا امثال سردار زارعی و سردار رادان و ماموران ریز و درشت شان را به خیابان و محل کار و مدرسه و حتی به خانه های مردم آنها هنگام جشن و عروسی می فرستند تا به حریم شخصی زنان تجاوز کنند و چکمه های عمامه نشان برای نقض بی پرده حقوق انسانی مهر تایید بگویند. آیا بدون این ، آشنایان، جنایت پیشه، آن بیگانه ، های طمع پیشه هرگز میتوانستند جرات اینهمه تجاوز را به خود راه دهند؟
برگرفته از سایت روشنگری

اسپانیا فمینیزه می شود! (*)

برگردان: لاله حسین پور

مردسالاران گردن کلفت اسپانیا، دشمن جدیدی یافته اند. خوزه لونی زاپاترو، 47 ساله، رئیس دولت سوسیال دمکرات اسپانیا، که عزم خود را جزم کرده تا جامعه ای مبتنی بر برابری و عدالت را جایگزین جامعه ای نماید که جنگ با گاوهای وحشی و تسلط مردانه بر تار و پود آن، ارزش حاکم به شمار می رود. او با همسرش در سال 1981 در تظاهراتی علیه نظامیان کودتای راست گرا آشنا شد و به مدت 18 سال است که با او ازدواج کرده و اکنون صاحب دو دختر هستند. زاپاترو می گوید، من قدرت و انرژی ام را از خانواده ام می گیرم. زاپاترو، خود در یک خانواده ضد فاشیست متولد و پرورش یافته است. آرزوی سیاست مدار شدن از زمانی در او زاده شد که فهمید پدر بزرگ جمهوری خواه او در سال 1936 به علت جنگ شهری در مقابل کودتاچیان ژنرال فرانکو به اعدام محکوم شد و قبل از شلیک تیر جمله معروف خود را بیان کرد: "من می میرم و می بخشم". زاپاترو می گوید: از همین جا بیوگرافی من آغاز شد. تلاش برای عدالت و صلح، مهر خود را بر زندگی او زده است. اکنون او بر خلاف سایر سیاست مدارانی که تاکنون بر اسپانیا حکومت می کردند، رژیمی بر مبنای بحث و دیالوگ را پیشه کرده است. رژیمی که بر صداقت و تحمل افکار مخالفین استوار است.

چهار دهه سیاسی- اجتماعی اسپانیا از سال 2004 به دلیل فعالیت های زاپاتروی سوسیال دمکرات در جهت رفرفرم های فمینیستی دست خوش تغییر است. او با کشاندن محافظه کاران به جایگاه اپوزیسیون و کابینه ای متشکل از 9 زن، این تغییر را بسیار محسوس کرده است.

زاپاترو که خود را یک فمینیست می داند، به برابری میان زن و مرد به مثابه کلید دست یابی به صلح و آرامش در جامعه و هم چنین در جهان می نگرد. او می گوید، ایجاد حق مساوی میان زن و مرد، بسیار مؤثرتر از خشونت مسلحانه عمل می کند. به همین دلیل هدف اصلی زاپاترو دست یابی زنان به قدرت است و همین که بر مسند دولت نشست، این امر را که در اجرای شعار انقلاب زنانه بسیار جدی است، به اثبات رساند.

9 وزیر از 17 وزیر کابینه او را زنان تشکیل می دهند. تقریباً بیش تر از نصف زاپاترو به کابینه خود بسیار افتخار می کند و خوش حال است که اسپانیا می تواند تجربه یک آینده انسانی تری را به جهان ارائه دهد. زاپاترو بر این اعتقاد است که جامعه اسپانیا بدون برابری کامل زن و مرد، هیچ گونه آینده ای در اروپای مدرن نخواهد داشت.

اسپانیا، کشوری تاکنون به شدت مردانه، در برابر چنین تحولاتی تنها می تواند زوزه بکشد و جهان در تعجب است که چگونه اسپانیا یکی از کاتولیک ترین کشور قاره اروپا، ناگهان با گرایش فمینیستی از ریل خارج می شود. به جز کشورهای اسکاتلند، اسپانیا اولین کشور اروپایی است که خاتم ها در این حد در اداره دولت شرکت دارند. پرلوسگنی، رئیس جمهور ایتالیا نتوانست از ابراز ناراضی در مقابل کابینه جدید زاپاترو، خودداری کند و واضحاً مطرح کرد که رژیم رفرفرم طلب اسپانیا "زیاده از حد صورتی" است!

زاپاترو اعلام کرده است که اکنون در اسپانیا پروسه "آغازی بر پایان" هرگونه تبعیض علیه زنان شروع شده است و آن چنان که براننده یک جهان متمدن است، هر جا نشانه ای از این نابرابری دیده شود، از میان برده خواهد شد. با نابرابری در دست مزد در شرایط مساوی کار، با خشونت و جنایات مردسالارانه و با هر برخورد تحقیرآمیز نسبت به امر جنسیت، قاطعانه مبارزه خواهد شد.

برای شروع این پروسه اولین سلاخی که زاپاترو به کار می برد، قانون برابری است که یک سال پیش به تصویب رسید. بر طبق این قانون می بایست کلیه احزاب، ارگان ها و ادارات، برنامه برابری خود را آماده کنند و زنان در هر انتخاباتی می توانند با 40 درصد آراء در لیست نمایندگان منتخب حضور یابند. در حال حاضر حدود یک سوم نمایندگان مجلس ملی را، زنان تشکیل می دهند.

قدم بعدی در حوزه فعالیت های خصوصی می باشد. دست مزد مساوی و هم چنین شانس مساوی برای احراز شغل، زاپاترو قول می دهد: ما هرگونه تبعیض علیه زنان را نابود خواهیم کرد. من اجازه نخواهم داد، دست مزد زنی که مشابه یک مرد کار می کند، حتی یک یورو کم تر باشد. تا کنون در اسپانیا، اختلاف دست مزد میان زن و مرد در مقابل کار مشابه، تا حد 50 درصد می رسید.

هم چنین مادر شدن در اسپانیا برای زنی که شاغل است، به معنای ترک کردن کار و یا اخراج شدن محسوب می شود. زاپاترو می گوید، هیچ انسانی نباید مجبور شود که میان فرزند و کار، یکی را انتخاب کند. زنان

و مردان دارای حق مساوی برای پیوند زدن میان شغل و زندگی خانوادگی شان می باشند. چنین امری، حتی در ارتش اسپانیا نیز در حال پیاده شدن می باشد. ارتشی که در حال حاضر توسط یک زن فرماندهی می شود. امری که در تاریخ پادشاهی اسپانیا بی سابقه بوده است.

اکنون سربازان اسپانیایی در مقابل فرمانده شان، کارمه شاسون، که یک زن 37 ساله می باشد و به تازگی مادر شده است، رژه می روند. 12 درصد ترکیب ارتش را زنان تشکیل می دهند. اما هنوز حتی یک زن ژنرال نیز وجود ندارد. آن طوری که زاپاترو معتقد است، "نرمالیتت" باید در ارتش نیز حاکم گردد.

کارمه شاسون می گوید: زنان، نیمی از جمعیت جامعه را تشکیل می دهند، جای تعجب است که چرا زنان نباید در رأس مسئولین و به عنوان رهبر، شاغل شوند. تاکنون چنین مشاغلی از دست رس زنان دور نگاه داشته می شد و فقط مردان می توانستند صاحب آن شوند. این ایراد بزرگی ست و می بایست از این پس در تمام ارگان ها، از جمله در ارتش تغییر یابد. او می گوید: تلاش من این است که میان نقش مادری ام با مسئولیت شغلی ام در حد امکان پیوند بزنم. کاری که بسیاری از زنان کشورم در عمل می کنند، چرا نباید در ارتش نیز امکان پذیر باشد؟ زنان در ارتش، شانس مساوی با مردان خواهند داشت و ما تضمین می دهیم که به این ترتیب قدرت دفاعی ارتش اسپانیا نه تنها ضعیف تر نخواهد شد، بلکه شرایط بهتری نیز به دست خواهیم آورد.

زاپاترو در مقابل محافظه کارانی که به قدرت گیری زنان در دولت انتقاد داشته و به صورت توهین آمیز به شاسون برخورد می کنند، می گوید: کارمه شاسون یک وزیر دفاع فوق العاده عالی خواهد بود و کار خود را اگر از یک مرد بهتر انجام ندهد، حداقل مانند یک مرد به انجام خواهد رساند.

کارمه شاسون، حقوق دانی که پیش از این پست وزیر خانه سازی را به عهده داشت، یکی از قابل اعتمادترین یاران زاپاترو است و یکی از بزرگ ترین امیدهای اسپانیا با گرایش سوسیال دمکراسی از جانب حزب کارگران سوسیالیست به شمار می رود. او از یک خانواده کاتالایی برخاسته است که تاریخچه مبارزاتشان با فرانکوی فاشیست فراموش نشدنی می باشد. کارمه از 18 سالگی به حزب کارگران سوسیالیست پیوست و تا امروز با سرعت بسیار مدارج ترقی و پیش رفت را طی کرد.

در سن 28 سالگی معاون وزیر بود، در 29 سالگی، نماینده مجلس، در 33 سالگی معاون رئیس مجلس و در 36 سالگی، وزیر خانه سازی. اکنون نیز در سن 37 سالگی، مصمم و قاطع، ارتش اسپانیا را هدایت می کند. وزیر دفاعی که با کمال میل شعر می خواند و خود نیز شعر می سراید. وزیر دفاعی که خود را صلح دوست می نامد و پدر بزرگش در سال های 36 تا 39 در جنگ شهری یکی از مبارزان علیه کودتای ژنرال های راست گرای حامی فرانکوی دیکتاتور به شمار می رفت.

معاون زاپاترو نیز، ماریا ترزا فرناندز لا وگا، زنی 59 ساله است که در حال حاضر قدرت مندترین زن در اسپانیا به شمار می رود. او می گوید: فعالیت های یک زن در عرصه سیاست با همان معیارهایی که به مردان نگرسته می شود، قضاوت نمی شود. زنان می بایست بسیار واضح ترو با تلاش چند برابر، خود و ارزش خود را به اثبات برسانند. حتی طرز پوشش یک زن سیاست مدار نیز بسیار دقیق نظاره می شود. فرناندز لا وگا و زاپاترو با هم کاری یک دیگر، از سال 2004 تا کنون بسیاری از رفرفرم های اجتماعی را بسیار سریع و بدون فوت وقت و بدون بوروکراسی، به تصویب رساندند. امری که محافظه کاران بنیادگرای کاتولیک را به لرزه درآورد. قوانینی به نفع زنان متقاضی جدایی، هم جنس گرایی که مایل به ازدواج با یک دیگر و بچه دار شدن بودند،

زنانی که مورد خشونت و یا تجاوز جنسی قرار گرفته بودند، زنانی که به حمایت و محافظت نیاز داشتند و غیره مورد تصویب قرار گرفتند. از طرف دیگر قوانین مربوط به مجازات مجرمین نیز به وضوح تشدید یافته است. این راهی است که زاپاترو قاطعانه علیه مردسالاری حاکم بر اسپانیا طی می کند و بیش از هر چیز آن را به کمک یک وزارت خانه جدید با هدف و برنامه برابری پیش می برد که در رأس آن خاتم بی بیانا آیدو، 31 ساله، تحصیل کرده در رشته علوم اقتصادی، قاطعانه از حق برابر زنان و مردان در حوزه های کاری، مشاغل مختلف و در سطح جامعه دفاع می کند. جای تعجب نیست که چرا بی بیانا آیدو خاری در چشم محافظه کاران اسپانیا است. "رقاصه فلامنکو کوچولو" لقبی است که مردان منتقد برای تحقیر کردن وی، به او داده اند. زیرا او در چند سال گذشته به رقصنده های مشهور فلامنکو، کمک های شایانی برای بهبود شرایط آنان، کرده بود. فلامنکو رقصی است که در آن غرور و اعتماد به نفس زنان اسپانیایی به نمایش گذاشته می شود. آیدو می گوید: اعطای

فراخوان کارگران ایران خودرو

آگاهی " اتحاد و تشکل رمز پیروزی ماست
ما هر گونه تهدید و ارعاب علیه کارگران را محکوم می کنیم
اعتصاب حق مسلم ماست

همکاران و دوستان گرامی
به دنبال آغاز اعتصاب ما کارگران مدیریت شرکت به جای جواب به
خواست ما کارگران با فرستادن قوای مسلح و تهدید و ارعاب و
گرفتن کارت چند نفر از همکاران در قسمتهای مختلف می خواهند
از ادامه اعتصاب ما کارگران جلوگیری کنند.

مدیریت شرکت با اطلاعیه سوخته شده سالها پیش هر وقت کارگران
برای گرفتن حقتشان بلند شدند با بهانه قرار دادند مسئله امنیت و
ترسانند ما کارگران از هالوی نامحسوس به نام عوامل ضد انقلاب
خواستند با چسب به نیروهای دیگر ما را از اعتصاب باز دارند
دیشب با اعلام حالت فوق العاده در شرکت گیسل دهها مامور
امنیتی خواستند ما را بترسانند.

با گرفتن کارت دهها نفر از کارگران و فرستادن آنها به خانه
خواستند از سوار نشدن ما کارگران به سرویسها جلوگیری
کنند و اتحاد ما را بشکنند.

حضور حراست در سالنها و تهدید کارگران خلاف اصول جهانی کار
است خلاف اصول حقوق بشر است

اعتصاب برای بدست آوردن کمترین خواسته حق هر انسانی است
مگر مدیریت شرکت شعار اول خود را صیانت از حقوق نیروی
انسانی و کارگران اعلام نکرده است پس خود مدیریت به اصول
خود پشت پا زده و به جای جواب به خواست ما کارگران نیروهای
امنیتی را به رخ ما کشیده است
مگر ما کارگران چه می خواهیم

ما میگوییم تا کی ما کارگران باید روزهای جمعه را کار کنیم ما از
چپه هایمان خجالت می کشیم در کجای دنیا یک کارگر روز تعطیلی
ندارد اگر مدیران ما فقط به قول خود مسلمان هم باشند از نظر
شرعی یکرز پیش خانواده بودن حق هر انسانی است مگر ما چی
می گویم که اینچنین برای ما شمشیر از رو کشیده اند فشار کار
و حشتناک باعث می شود ما حتی نتوانیم به دستشویی برویم آیا
گفتن این مسئله جرم است آقای منطقی به جای گیسل حراستی ها به
سالنها فقط یکرز میان ما کارگران زندگی کن فقط یک هفته کارگر
باش

دو هفته پشت سر هم شیفت شبکار باش تا بدانی ما کارگران چه می
کشیم آقای منطقی دو هفته شبکار شدن می دانی یعنی چی
پوشیدن لباس کارگری نشانه کارگر بودن نیست. باید کارگر باشی تا
بدانی کارگری یعنی چه

ما مگر چی می خواهیم ما می گویم وقتی که شبکار هستیم حق
شبکاری به ما تعلق نمی گیرد. تورم بالا رفته گرانی بیداد می کند با
این همه فشار کاری حقوق ما کم است ما چه گناهی کرده ایم که باید
توان هزینه های دولت را بپردازیم ما زندگی شرفتمندانه می
خواهیم

ما می گویم چرا هزینه از جیب ما
شرکت میلیاردها تومان در آمد دارد خودروهای صادراتی با دستان
توانمند ما صادر می شوند پس نتیجه زحمات شبانه روزی ما کجا
است.

دوستان کارگر
مدیریت باید به خواستههای اعلام شده ما جواب بدهد مجلس و دولت
باید جوابگوی این گرانی و تورم باشند حقوق کمتر از یک میلیون
برای یک زندگی انسانی بسیار کمتر است . حق بیمه 45%
افزایش یافته است تاوان وزارت رفاه راکه ما نباید بدهیم. طبق
قانون کار حق شبکاری 22% درصد است ولی ما حق نوبت کاری
2 می گیریم یعنی 12% درصد ما می گویم تورم هر روز بالا می
رود ولی دستمزد ما هر روز کمتر می شود. آیا این خواستن این حق
جرم است.

دوستان
با حفظ هوشیاری و آگاهی و با اتحاد خودمان می توانیم پیروز
شویم. جمعی کارگران ایران خودرو 87/4/12

حق برابر تنها برای احقاق عدالت اجتماعی نیست، بلکه هم چنین نیروی
محركه ای برای پیش رفت و توسعه کشورمان به شمار می رود.

اکنون اعتماد به نفس میان زنان اسپانیایی ، خود را در اعتراضات زنانی
که از همسر خود کتک می خورند و دیگر آن را مخفی نکرده، بلکه علنا
به شکایت و ادعای خسارت در مقابل دادگاه می پردازند، نشان می دهد.
آمار، حاکی از افزایش سال به سال تعداد شکایاتی است که مورد خشونت
قرار گرفته و به دادگاه مراجعه می کنند. برای مثال در سال 2007، 126
هزار مورد شکایت، تحت بررسی قرار گرفته است. یعنی تقریباً 350
مورد در روز! در همین سال تعداد مرگ و میر در اثر خشونت، تقریباً
بیشتر از یک زن در هفته بوده است. یعنی 72 زن در سال 2007 به
دست مردانشان کشته شده اند.

زاپاترو، مهم ترین فمینیست در اسپانیا می گوید: کشوری که من می
خواهم، نباید چنین فاجعه ای را تحمل کند که هر هفته یک زن در اثر
خشونت مردسالارانه بمیرد. (*) برگردان از نشریه اما، شماره 4 یولی-
اگوست 2008

روزی ما دوباره کیبوتراهیمان

را پیدا خواهیم کرد و مهریاتی
دست زیبایی را خواهد گرفت .

روزی که کمترین سرود

بوسه است .

و هر انسان برای هر

انسان

برادری است

روزی که ما برای کیبوتر هایمان

دانه بریزیم ..

و من آن روز را

انتظار می کشم

حتی روزی

که دیگر

نیابم

احمد شاملو

* پیوندها *

سردبیر نشریه : منصور نجفی

mansour.nadijifi@telia.com

ایمیل روابط عمومی سازمان

public@rahekargar.net

تلفن روابط عمومی سازمان

0049-69-50699530

شماره فاکس سازمان

33-1-43455804

سایت راه کارگر

www.rahekargar.net

سایت رادیو برابری

www.radiobarabari.net

سایت اتحاد چپ کارگری

www.etedhadchap.org

سایت رادیو صدای کارگران ایران

www.sedayekargar.com

نشر بیدار

www.nashrebidar.com

نشریه انگلیسی ایران بولتن

www.iran-bulletin.org

توجه : مقالاتی که با کد " دیدگاه " مشخص

میشوند ، الزاماً بیانگر مواضع سازمان نیستند .

وعده مدیران ایران خودرو

یکی از کارگران ایران خودرو در تماس تلفنی با دسترنج گفت: با آغاز سال مدیریت شرکت اعلام کرد که از اعلام اضافه کاری در روزهای جمعه خوداری خواهد کرد، ولی عملاً با بحران قطعه سازی و عدم تولید و توزیع مناسب قطعه به خطوط تولید، مدیریت شرکت جهت جبران کسری تولید از همان آغاز سال جمعه‌ها را اضافه کاری اجباری اعلام کرد.

وی افزود: از طرفی با عدم پرداخت رکورد تولید بعضی از قسمت‌ها، با برقراری اضافه کاری اجباری در روزهای دلخواه خود شرکت و جلوگیری از اضافه کاری در روزهای عادی با وجود بدهی‌های سنگین کارگران، عدم افزایش حقوق‌ها به نسبت تورم لجام گسیخته در جامعه، ثابت ماندن حق آکورد نسبت به 5 سال پیش، عدم استخدام کارگران به صورت رسمی در حالیکه حدود 10 سال از قرارداد برخی از کارگران می‌گذرد، عدم جذب نیروی جدید با وجود راه‌اندازی ال90 و کاهش کارگران در قسمت‌های مختلف جهت استفاده در سالن‌های ال90 و اخراج ده‌ها کارگر به بهانه های واهی، فشار کار بر کارگران در قسمت‌های تولیدی و عدم اعلام شرایط سختی کار در این قسمت‌ها بدون حضور نمایندگان کارگران، افزایش زمان ارتقای شغلی به چند سال و عدم حضور نمایندگان کارگران در کمیته طبقه بندی مشاغل، گسترش هر روز شرکت‌های پیمانکاری و عدم پرداخت حقوق متناسب با تورم توسط این شرکت‌ها و تبعیض بین کارگران این شرکت‌ها و سخنان ضد کارگری حمید رضا کاتوزیان، نماینده مجلس در مورد واگذاری شرکت‌های خودروسازی به بخش خصوصی باعث موج نارضایتی در شرکت ایران خودرو گردیده است.

این کارگر افزود: از طرفی نبود تشکلهای کارگری که کارگران بتوانند از طریق تشکل خود پیگیری مطالبات خود باشند، دست به دست سایر مسایل داده تا با اعلام اضافه کاری روز جمعه 7 تیر در بعضی از سالن‌ها و با تغییر ناگهانی شیفت‌های کاری بدون هماهنگی از قبل، کارگران مونتاز با این تصمیم مخالفت کرده و دست به اعتصاب زدند. با پیوستن بخش‌های دیگری از کارگران شرکت به این اعتصاب، مدیریت شرکت ایران خودرو به جای جواب به خواسته‌های کارگران با پخش اطلاعیه‌های از طرف مدیریت حراست، کارگران را تهدید کرد.

متن اطلاعیه مدیریت حراست به این شرح است؛
مدیر حراست گروه صنعتی ایران خودرو
بسمه تعالی

اطلاعیه شماره نامه م/ع 87601119/1

تاریخ 87/04/10

موضوع لزوم اطلاع رسانی نسبت به تحریک برخی از عوامل ضد انقلاب در سطح شرکت

باسلام و احترام

به اطلاع کارکنان شریف ایران خودرو می‌رساند برابر اطلاعات واصله؛ از طرف گروه‌های ضد انقلاب از جمله «حزب اتحاد کمونیسم کارگری» اقداماتی در جهت تحریک کارگران با بهانه قراردادن بعضی مسائل موجود در سطح کشور خصوصاً در مجموعه‌های صنعتی موثر در حال پیشرفت صورت گرفته است. در این رابطه برخی از عوامل دست‌نشانده در جهت اهداف پلید گروه‌ها اقدام به شعارنویسی و پخش اعلامیه و دعوت کارکنان به تحصن، اعتراض و اعتصاب غذا و ... نموده‌اند.

لذا بدینوسیله از کلیه همکاران محترم تقاضا می‌گردد در صورت مشاهده هرگونه تحرکی مراتب را به ستاد خبری حراست با شماره تلفن 6161 اعلام نمایند.

ا. م



اعتصاب کارگران ایران خودرو

باخواست افزایش حقوق بایبوستن شیفت‌های عصر

و شبکار ادامه دارد

کارگران کارخانه ایران خودرو که از روزشنبه در راستای پیگیری مطالبات صنفی خودبا شعار

زندگی شایسته حق مسلم ماست

اضافه کاری اجباری لغو باید گردد

دست به اعتصاب زده اند امروز نیز در ساعت غذا از حضور درسالنهای غذاخوری شرکت خودداری کرده اند.

خواست اصلی کارگران به گزارش دسترنج، تغییر مدت شیفت های کار کارگران از دو هفته به یک هفته، پایین بودن حق بهره وری (آکورد) و سایر مزایای نقدی جنبی کارگران و سختی کار کارگران خط تزئینات از جمله دلایل این اعتصاب است.

بنا بر این گزارش از ظهر امروز کارگران بخشهای مختلف ایران خودرو بدون نتیجه به گفته های مدیران و سرپرستان خود در ساعت ناهار به جای مراجعه به غذاخوری در محل کار خود به استراحت مشغول شدند.

و روز دوشنبه بعد از ظهر ادامه این اعتصاب با ورود کارگران شیفت‌های عصر کار و شبکار با خواست

افزایش حقوق حق مسلم ماست - ما آکورد 5 سال پیش نمی خواهیم

ادامه ادامه یافت

کارگران ایران خودرو که از آغاز سال با وجود وعده مدیریت شرکت که از اعلام اضافه کاری در روز های جمعه خوداری خواهد کرد ولی عملاً با بحران قطعه سازی و عدم تولید و توضیح مناسب قطعه به خطوط تولید مدیریت شرکت جهت جبران کسری تولید از همان آغاز سال جمعه ها را اضافه کاری اجباری اعلام کرد از طرفی با عدم پرداخت رکورد تولید بعضی از قسمت‌ها و با برقراری اضافه کاری اجباری در روزهای دلخواه خود شرکت و جلوگیری از اضافه کاری در روزهای عادی با وجود بدهی‌های سنگین کارگران عدم افزایش حقوقها نسبت به تورم لجام گسخته در جامعه و ثابت ماندن حق آکورد نسبت به 5 سال

پیش و عدم استخدام کارگران به صورت رسمی در حالیکه حدود 10 سال از قراردادی کارگران می گذرد عدم جذب نیرو جدید با وجود راه اندازی ال90 و کاهش کارگران در قسمت‌های مختلف جهت استفاده در سالنهای ال90 و اخراج ده‌ها کارگر به بهانه های واهی و فشار کار بر کارگران در قسمت‌های تولیدی و عدم اعلام شرایط سختی کار در این قسمت‌ها بدون حضور نمایندگان کارگران افزایش زمان ارتقای شغلی به چند سال و عدم حضور نمایندگان کارگران در کمیته طبقه بندی مشاغل

و از طرفی گسترش هر روز شرکت‌های پیمانکاری و عدم پرداخت حقوق متناسب با تورم توسط این شرکت‌ها و تبعیض بین کارگران این شرکت‌ها و از طرفی عدم اختصاص هدایای جهت جبران این تورم و خرج کردن کاهش هزینه ها از جیب کارگران و در مقابل افزایش هر روز قیمت خودرو در بازار و از طرفی فشار دولت بر خودروسازهاو عدم پرداخت مطالبات خودرو سازان توسط شرکت گزایران حدود 70 میلیارد و شرکت نفت در مقابل حذف پیکان 300 میلیارد از طرف سخنان ضد کارگری حمید رضا کاتوزیان نماینده مجلس در مورد واگذاری شرکت‌های

خودرو سازی به بخش خصوصی باعث موج نارضایتی در شرکت ایران خودرو گردیده است از طرفی نبود تشکلهای کارگری که کارگران بتوانند از طریق تشکل خود پیگیری مطالبات خود باشند واین مسایل دست به دست داده تا با اعلام اضافه کاری روز جمعه 7 تیر در بعضی از سالن‌ها و با تغییر ناگهانی شیفت‌های کاری بدون هماهنگی از قبل تا کارگران مونتاز با این تصمیم مخالفت کرده و دست به اعتصاب زدند

اعلام خیر اعصاب کارگران مونتاز به سرعت در حال گسترش است کارگران تصمیم گرفته اند تا رسیدن به این خواسته‌ها به اعتصاب خود ادامه دهند

۱- آزادی تشکلهای کارگری عدم ورود حراست به سالن‌ها
۲- لغو اضافه کاری اجباری و برداشتن سقف اضافه کار عادی
۳- افزایش حق آکورد (حق بهره وری
۴- افزایش حقوقها متناسب با افزایش قیمت‌ها درکشور
۵- لغو قرار دادهای موقت و استخدام رسمی کارگران
۶- جلوگیری از گسترش شرکت‌های پیمانکاری و انتقال کارگران آن به خود شرکت

۷- شرکت نمایندگان کارگران در کمیته مشاغل طبق بندی
۸- شرکت نمایندگان کارگران در کمیته تشخیص کارهای سخت و زیان آور
۹- کاهش فشار کاری با استخدام نیروهای جدید

**جنبش کارگری و مروری بر اعتراضات و اعتراضات کارگران
در ایران!**

روزشمارسه ماهه اول سال

(ماههای فروردین - اردیبهشت - خرداد - ۱۳۸۷ - ۲۰۰۸)

امیر جواهری لنگرودی

۱۳۸۷ تیرماه - ژوئیه ۲۰۰۸

بعثت کمبود جا، تنها به ذکر برخی سر تیتراها اکتفا شده است.
این مجموعه خبری (شامل 391 صفحه و 799 بخش) را در
سایت <http://www.rahekargar.de> میتوانید ملاحظه
نمائید.

42- اعتصاب کارگران "سد" زیویه" کامیاران همچنان
ادامه دارد :

(* 5-4 زنان در زیر پنجه های هیولای فقر :

46- روند حرکتیهای اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه
از قبل به اینسو:

48- ادامه اعتصاب کارگران سد "سیازاخ" دیواندره :

49- یک ارزیابی از رشد بیکاری در ایران :

53- کارگران ایران بدون مدیر بهتر کار می کنند!

320- کارگران کوره های آجرپزی به قدر جان کندن
زندگی می کنند:

(* 321- تعداد 15 میلیون ایرانی زیر خط فقر:

454- تجمع اعتراض آمیز کارگران "فرنخ و مه نخ" :

(* 700- گفتگویی با یکی از فرهنگیان در رابطه با
مشکلات آنان در سایت صدای اعتراض :

701- یورش وحشیانه به کارگران نیشکر هفت تپه
و دستگیری تعدادی از آنها :

(* 702- اعدام کودکان، معضلی حقوقی :

710- مردم با کارگران هفت تپه همدردی می کنند :

(* 714- به مقدار 6 میلیون تن کسری گندم در کشور:

- عدم پرداخت دستمزد کارگران کارخانه ریسندگی
پریس و احتمال اعتصاب کارگران این کارخانه :

(* 717- حمایت و اعلام همبستگی دانشجویان
سوسیالیست دانشگاههای سراسر ایران با کارگران
نیشکر هفت تپه :

- گلگشت بزرگداشت و حمایت 721

بویره از مبارزات کارگران هفت تپه :

(* 722- برگزاری نشست "تورم بر سر سفره مردم"
در دانشگاه تهران :

نظامی کردن فضای کوره پزخانه های ارومیه و
دستگیری 24 نفر از کارگران: 724 -

725- گزارشی کوتاه در مورد وضعیت شغلی کارگران
کارخانه آلومینیوم اراک :

728- گزارشی از وضعیت کارخانه کارتن ایران :

729 - "اطلاعیه" در رابطه با اعلام موجودیت کمیته
ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های
کارگری (منطقه ی تهران :

(* 734 - چهارصد هکتار باغات دشتروم بویواحمد
در معرض نابودی است:

(* 736- بازداشت بیش از 200 نفر از مردم عادی
و 6 دانشجو در مشهد :

(* 740- استعمار کودک در کنار ادعای انسانیت :

741 - شعار نویسی در رشت: دعوت عموم به
اعتراض علیه تورم و گرانی :

(* 792- خودنمایی فقر در کشور ثروتمند ایران :

793- تولید کیف و کفش ایران به نصف رسید :

798 - بیکاری خیاط ها در پی افزایش قیمت پارچه:
(* 799- بیانیه دانشجویان سوسیالیست

پیرامون وضعیت کنونی جنبش دانشجویی و مباحثات
اخیر در چپ دانشجویی

.....

1 - برگزاری مراسم آغاز سال جدید در پشت دیوارهای
زندان اوین :

2 - جان محمود صالحی در خطر است، باید وی را از
مرگ حتمی نجات داد!!!

34- درخواست سازمان عفو بین الملل و اتحادیه های
بین المللی کارگری برای آزادی فوری" محمود
صالحی"

5- اعتصاب کارگران سد "زیویه" کامیاران :

6- گزارشی از اخراج 80 نفر از کارگران شهرداری
سقز:

8- نامه دبیر کشوری بخش ترانسپورت و عمومی
بزرگترین اتحادیه کارگری انگلستان به مقامات
جمهوری اسلامی در مورد "محمود صالحی"

9- بیانیه نهادهای کارگری و مدافع حقوق بشر در
مورد فعالان کارگری زندانی در ایران:

10 - اعتراض کمپین بین المللی حقوق بشر در ایران
به صدور حکم اعدام برای "فرزاد کمانگر" :

11- تجمع اعتراضی، مقابل زندان سنندج، در دفاع از
آزادی محمود صالحی :

13- صدور حکم زندان برای 7 تن از اهالی باته:

14- تجمع اعتراضی کارگران شرکت صدرا در بوشهر
در مقابل استانداری :

19- نامه اعتراضی دبیر کشوری بخش ترانسپورت و
عمومی بزرگترین اتحادیه کارگری انگلستان:

21- اعتراض موفق کارگران فاز یک تا پنج کارگران
عسلویه :

22- مشکلات کارگران پر ریس :

23- تجمع اعتراضی کارگران شرکت صدرا در 26-
دومین روز از تجمع اعتراضی در مقابل دادگستری
سنندج :

(* 27- تعداد کودکان کار خیابانی در ایران از 400
هزار تا یک میلیون نفر تخمین زده می شود:

28- صنایع مونتاژ به جای فن آوری ملی و بومی!

29 - وضعیت کارگران در سال جدید :

(* 31- ادامه فشار مقامات قضایی جمهوری اسلامی بر
خانواده های قربانیان اعدامهای سال 67 :

33- از حدود 1000 کارگر شاغل در کارخانه چینی حمید
تنها 70 نفر در سال جدید به کار مشغول شده اند:

33- از حدود 1000 کارگر شاغل در کارخانه چینی
حمید تنها 70 نفر در سال جدید به کار مشغول شده اند:

39- تجمع کارگران صدرا وارد پنجمین روز شد :